

احیا هویت فرهنگی-بومی با تاکید بر طراحی مجموعه‌های فرهنگی (مطالعه موردی: منطقه دیلمستان)

علیرضا سیاف زاده^۱، پروین سعدانی^۲

۱- علیرضا سیاف زاده، استادیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور

۲- پروین سعدانی، دانش آموخته رشته معماری دانشگاه غیرانتفاعی ساریان

چکیده

اهمیت پایداری هویت فرهنگی و تاثیر آن در زمینه های گوناگون جامعه و ضرورت نیاز منطقه دیلمستان به پایداری هویت فرهنگی و بومی و از آنجایی که مجموعه فرهنگی به عنوان عنصری که می تواند در پایداری و حفظ هویت فرهنگی و بومی هر منطقه و جامعه تاثیر به سزایی بگذارد، ایجاد مراکزی که بتواند از طریق تعاملات اجتماعی بین افرادی که نسبت به فضا احساس تعلق می کنند، تاثیر به سزایی در احیای هویت فرهنگی داشته باشد، حرکتی دوباره را در مسیر تعالی هویت بومی شروع کرد. این پژوهش از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی واز حیث هدف در زمره تحقیقات توسعه‌ای-کاربردی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی و از طریق ابزارهایی چون مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه اقدام به جمع‌آوری اطلاعات و مطالب مورد نظر گردیده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ایجاد حس دلبستگی و تعلق به مکان، معنا بخشی به مکان با رجوع به طراحی بومی، مشارکت اجتماعی در بین شهروندان و همچنین طراحی هماهنگ با زمینه در عین تازگی در رونق استفاده و علاقه‌مند شدن مردم شهر به شرکت در فعالیت‌های گوناگون مجموعه فرهنگی تاثیر شایانی دارد که در پی آن رشد شناخت ساکنان شهر حتی دیگر شهرها به هویت فرهنگی اصیل بومی آن منطقه و تعامل افراد با هم و به دنبال آن پایداری هویت فرهنگی منطقه (دیلمستان) را به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: هویت فرهنگی، فرهنگ بومی، مجموعه فرهنگی، منطقه دیلمستان

۱- مقدمه

امروزه در شهرهای ایران با پدیده دوگانگی و سردرگمی میان هویت تاریخی و فرهنگی مواجه هستیم؛ از طرف دیگر رشد روزافزون تحولات اجتماعی و فضایی شهرنشینی جدید، به یک مسئله ملی و همگانی تبدیل شده است. با وجود پیشینه نیرومند تاریخی و فرهنگی سنت شهرنشینی در ایران و رشد فزاینده پدیده جهانی شدن، این دوگانگی و سردرگمی تشدید یافته و باعث ظهور بحران هویت از جمله بحران هویت شهری و فضایی و فرهنگی گشته است (مهدی زاده، ۱۳۸۴). فرهنگ اکنون فرایندی است در پیوند با همه جنبه‌های زندگی؛ از این رو توسعه شهری پایدار می‌رود که در بستر توسعه فرهنگی به عنوان یک ضرورت مطرح شود، دوام یابد و دوام بیابد (لطیفی، ۱۳۸۳). از دیدگاه شهرسازی معاصر، حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، فقط به معنای حفظ بناها و یادمان‌های قدیمی نیست، بلکه با گسترش روح آن‌ها در کالبد بافت‌های جدید همراه است (مهدی زاده، ۱۳۸۴). فرهنگسرا با عملکرد خود از طریق آموزش، شناخت و نمایش، نقش موثری در احیا و پایداری فرهنگ جامعه دارد. فرهنگسرا به عنوان عنصری که می‌تواند در حفظ هویت فرهنگی هر شهر و جامعه تاثیر به سزایی داشته باشد و همچنین به عنوان پایگاهی که سبب شناخت افراد از فرهنگ آن شهر می‌شود، به افراد این امکان را می‌دهد که برخی خصایص فرهنگی جامعه میزبان را، که خودشان کمتر به آن توجه داشته‌اند، شناسایی و معرفی کنند، فرهنگسرا و محیط‌های فرهنگی موجب تبادل ایده‌ها و نظرات، افزایش غرور، تقویت حس همبستگی و بالا رفتن سطح شناخت درباره هویت فرهنگ بومی آن ناحیه می‌شود (کریمیان و احمدوند، ۱۳۹۱). در این پژوهش فضای جمعی فرهنگی در منطقه دیلمستان، به عنوان محملی برای تعاملات اجتماعی مردم منطقه به

پشتوانه سرمایه‌فرهنگی و با استفاده از خاطرات جمعی و ایجاد حس تعلق در آنان در جهت پایداری شهرها عنوان شده است. بر این اساس طراحی مجموعه فرهنگی به منظور دستیابی به متغیرهای فوق مدنظر قرار گرفته است.

هویت فرهنگی به عنوان عنصر پایدار که در کمال یافتن انسان و رشد و ترقی منزلت‌های مختلف یک جامعه در امتداد والایی انسان‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کند، (نوربخش، ۱۳۸۷). در واقع تحقق پایداری فرهنگی موجب می‌شود که در عین اینکه فرهنگ‌های متنوع در هر جامعه‌ای ارزش‌ها و هویت خود را حفظ کنند در کل انسجامی بین این تنوع و تمایز بوجود آید، در واقع نمود کثرت در وحدت و وحدت در کثرت را که نادر اردلان و لادن بختیار بیان می‌کنند را می‌توان در آن مشاهده کرد. (اردلان و بختیار، ۱۳۹۰) عناصر مختلفی در ترویج و پایداری فرهنگی موثر است یکی از این ارگان‌ها بی‌شک نقش بسیار مهمی را در کمک به این امر می‌کند سازمان‌هایی هستند به عنوان فرهنگسرا که مهمترین هدف آن گسترش و پایداری دست‌آوردهای فرهنگی می‌باشد. بر اساس تحقیقات انجام شده که رابطه‌ی بین هویت، تعاملات اجتماعی و حس تعلق به مکان را نشان می‌دهند؛ ایجاد مرکزی که بتواند با ایجاد تعاملات اجتماعی بین افرادی که نسبت به فضا احساس تعلق می‌کنند، خواهد توانست در احیای هویت فرهنگی و بومی نقش به‌سزایی داشته باشد (فلاح، ۱۳۸۵). اجرای این طرح می‌تواند به عنوان شروع حرکتی دوباره در مسیر تعالی قلمداد گردد که رسالت خویش را بیش از هر چیز و پیش از هر چیز دیگری، احترام به مخاطب قرار داده است و می‌کوشد در کنار سایر نمونه‌های ماندگار معماری، زمینه را برای پیشرفت هرچه بیشتر شهر فراهم نماید. از آنجایی که لازمه آشنایی با فرهنگ هر جامعه و نیز شناخت مسائل و مشکلات فرهنگی، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و انجام پژوهش‌های مختلف در عرصه‌های گوناگون فرهنگ می‌باشد، ضرورت ایجاد مراکز فرهنگی روشن می‌شود. با توجه به مسایل مطروحه به سوالات زیر اشاره می‌شود:

- مفاهیم فرهنگی چگونه بر فضای معماری معاصر تاثیرگذار است؟
- مجموعه‌های فرهنگی تا چه میزان در احیا فرهنگ بومی موثر است؟

۲- ادبیات نظری

۱-۲- هویت

مقوله‌ای به نام هویت سابقه‌ای به بلندای تاریخ دارد. آن زمان که انسان احساس کرد باید به کیستی و چیستی خود در برابر طبیعت و ماورای طبیعت پاسخ گوید هویت متولد شد. هویت بیش از آن که معطوف به گذشته باشد به بینش افراد مرتبط است، زمان حال را در بر می‌گیرد و تقاضا برای بهره‌مندی از آن ریشه‌ها در نیازهای فردی و جمعی شهروندان در محیط شهر دارد (قطبی، ۱۳۸۷). جمع‌بندی معانی مختلف هویت نشان می‌دهد که همگی آن‌ها شرط احراز هویت را در دو چیز میدانند:

الف) «شباهت با خود» در طول زمان یا به عبارت دیگر حفظ ثبات و تداوم در طول زمان

ب) قابل تشخیص بودن به واسطه «شباهت با پدیده همسنگ» و «تمایز» از سایر پدیده‌ها

بر این اساس، نخستین گام در راه تشخیص هویت امکان‌بازشناسی پدیده بر اساس شباهت‌های آن با پدیده هم‌سنگ و تفاوت‌هایش با پدیده غیرهم‌سنگ در ذهن است. در واقع واژه بازشناسی تنها به معنی شناسایی اشیا نیست، بلکه تجربه معنا و مفهوم آن نیز هست. اگر بازشناسی پدیده‌ای میسر نگردد، آنگاه فرآیند تشخیص هویت نمی‌تواند ادامه یابد. گام دوم نیز تداوم آن شباهت یا تفاوت در طول زمان است (بهزادفر، ۱۳۹۰).

۲-۲- هویت فرهنگی

هویت فرهنگی در زمره موضوعاتی به‌شمار می‌آید که در تئوری‌ها و دیدگاه‌های گوناگون جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی به دلیل قرابت و تداخل معنایی و مفهومی با پدیده‌های فراگیری نظیر بازنمایی، آگاهی، عضویت و تعلق جمعی، انسجام اجتماعی، نمادگرایی و معنا به‌عنوان تعیین‌کننده جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و عملی افراد، مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته و به شیوه‌های متفاوتی مفهوم‌سازی شده است. از این رو، اشتغال نظری و عملی به هویت، به مشخصه‌ی اساسی آثار نظری و تجربی در دوران معاصر بدل شده است. هویت فرهنگی، شناسه‌ی آن گروه یا حوزه اجتماعی است که شخص بدان تعلق دارد و خود را با آن معرفی می‌کند و در زندگی اجتماعی نسبت به آن ملتزم، متعهد و وفادار است.

فرهنگ و عناصر مرتبط با آن از مهم‌ترین منابع هویت به‌شمار می‌روند. با این حال انسان معاصر در هر محیط اجتماعی که زندگی کند، سعی دارد موقعیتی برای خود دست و پا کند و هویتی متمایز داشته باشد (حجازی و حیدرخانی، ۱۳۹۳).

۲-۳- مجموعه فرهنگی

معماران گذشته ما انسان های چند بعدی بودند که به همه ی علوم زمان خود از جمله ریاضیات، هندسه، نجوم، طب و ساختمان سازی تسلط داشتند و بالطبع از همه دانش خود در جهت ایجاد بنایی که شایسته زندگی انسان ها باشد، استفاده می کردند؛ این بزرگان همواره به این نکته توجه داشتند که معماری و ساختمان سازی باید مطابق با هویت و اصالت و سنت های غنی ایرن زمین باشد. از همان زمانی که معماری جدا از فرهنگ و سنت جامعه و کشوری بررسی و اجرا گردد، انحطاط معماری آغاز خواهد شد. در کشور ما نیز متأسفانه با آن همه سوابق درخشان فرهنگی، انحطاط در معماری مصادف با شروع انقلاب صنعتی در غرب آغاز گشت. تبادل فرهنگی بین ایران و غرب و تقلید سبک های غربی در جامعه تأثیرات خود را در همه شئون به نحو مطلوبی به جای گذاشت به گونه ای که بر معماری، این ظریف ترین هنر انسانی هم اثرات خود را عیان ساخت (قصری و خسروی، ۱۳۸۲).

معماری ایران دچار گسست فرهنگی گردید و پیشرفت سلسله مراتبی هنر ساختمان سازی کشورمان، دستخوش تغییرات و زوال تدریجی شد که این جدایی سنت و فرهنگ از معماری تا به امروز باعث انحطاط و انحراف معماری و شهرسازی ایران گشته است. مشخصاً از دوره قاجار بود که با گسترش تبدلات فرهنگی با غرب و ورود صنعت که منشأ غربی داشت، سبک های تقلیدی در سیمای شهر ها نمایان گشت (قطبی، ۱۳۸۷). در معماری امروز ایران باید به دنبال راهکاری برای پیوند دوباره و تلفیق فرخنده این هنر با فرهنگ و سنت از یک سو و علوم نوین و معدن ساختمان از سوی دیگر بود؛ تا دیگر بار نه تنها فن و تکنولوژی بلکه زیبایی و هنر جایگاه خود را در معماری به دست آورند. (قصری و خسروی، ۱۳۸۲)

با توجه به اینکه رکن اساسی هر جامعه را فرهنگ آن جامعه می سازد و با توجه به این نکته که رشد فرهنگی در جامعه ما چندان شکوفایی نداشته است لذا چنین به نظر می رسد برای جبران این کمبود لازم است مراکز چند در شهر های مختلف میهن ما ایجاد شود. محیط فرهنگی از آن زمینه زندگی انسان حکایت دارد که تلاش انسانی واسطه، آفریننده و یا سازمانده آن بوده است و از این رو آمیخته با ارزش های فرهنگی پذیرفته شده است.

بازشناسی هویت فرهنگی و تعلقات اجتماعی در محله های شهری یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی است و در جهت پیشبرد اهداف استراتژیک مدیریت شهری نقش بسیار مهمی دارد. مجموعه های فرهنگی می توانند از جنبه های فرهنگی و اجتماعی، به عنوان میراث فرهنگی ارزشمند نیاکان یکی از عوامل اصلی هویت بخش محله های شهری با ارائه جذابیت های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی خود در شناساندن ارزش ها به مردم حتی گردشگران نیز مفید واقع شوند. اماکن تاریخی و فرهنگی هر جامعه ای نشان دهنده ی هنجارها و ارزش های جامعه است و به نوعی هویت فرهنگی و اجتماعی (cultural and social identity) در بر گیرنده ی اصل و منشأ فرهنگ هر جامعه ای است. به طوری که کیستی و چیستی هر جامعه ای را به وضوح نشان می دهند. این هویت از خردترین جزء فرهنگی و اجتماعی را در بر می گیرد. میراث فرهنگی در نقش یک عامل هویت ساز بیانگر چیستی و کیستی یک جامعه یا یک شهر و روستاست و چون با زندگی مردم در آمیختگی دارد، پس پدیده ای زنده است.

یک اثر تاریخی و فرهنگی می تواند باعث لذت بردن انسان ها از زیبایی و هنر شود. این نگاهی است که از قدیم وجود داشته است و در زمان فعلی شدت بیشتری گرفته است. (کارکنان، ۱۳۸۷) این توجه و شناخت می تواند در توانمند سازی و افزایش ظرفیت ها و ارتقای کیفیت زندگی مؤثر واقع شود. نقش مدیریتی شهری در احیاء، حفظ و توسعه این میراث فرهنگی در شیوه های حفظ و بازسازی مناسب ها، آیین ها و میراث فرهنگی محله ای و بازتولید سرمایه های فرهنگی دارای کمال اهمیت است.

۲-۴- منطقه گرایی

تعریف منطقه گرایی به تبع تعدد و سیر تحول در انواع رویکردهای این نظریه، طیفی وسیع و گاه متضاد را در برمی گیرد. در نگاه کلی می توان گفت که توجه به ویژگی های زیست بوم، مسائل اقلیمی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و ارزش های محلی از نکات مورد توجه منطقه گرایی به حساب می آیند. منطقه گرایی نظریه ای است که از مقاومت در برابر صورت های مختلفی از برتری جویی، جهانی سازی و یا ساختارهای استاندارد شده که تفاوت های بومی را کاهش می دهند، حمایت می کند (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲). این تئوری، روش ها و معیارهایی برای حفاظت، تجدید حیات و در صورت نیاز، بازسازی زندگی در چارچوب ویژگی های منطقه را پیشنهاد می دهد (canizaro, 2007). این خصوصیات در نهایت، به معماری "حال و هوا" بخشیده و حس مکان را در مواجه با فضاها تقویت می کنند (نوربرگ شتولتز، ۱۳۸۲). رویکرد اصلی منطقه گرایی آشتی دادن تأثیرات تمدن جهانی و خصوصیات و مشخصه های

ویژه مکانی است. منطقه‌گرایی هم به پیوندهای پیچیده انسانی مربوط می‌شود و هم به تعادل اکوسیستم و مسائل زیست‌محیطی. هدف منطقه‌گرایی، ایجاد تنوع در عین سودبردن از مزایای جهانی است (Bayzidi et al, 2013). کریستوفر الکساندر، هویت را تجسم کالبدی کیفیت‌های بی‌نام در بناها می‌داند، کیفیت‌هایی که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا و یا طبیعت بکر هستند، اما نمی‌توان نامی بر آن‌ها گذاشت (الکساندر، ۱۳۸۱).

۳- پیشینه

شهرسازی و معماری پایدار در پاسخ به نیازهای حاصل از مداخلات شدید انسان از دهه ۱۹۷۰ و هم‌زمان با بحران انرژی مطرح شد. با افزایش جمعیت و از بین رفتن منابع تجدیدناپذیر و افزایش آلودگی‌های محیطی توجه به این موضوع بیشتر شد. توجه به تاثیرات محیط ساخته شده بر محیط زیست باعث شد که رویکرد شهرسازی پایدار در کنفرانس‌های متعدد مطرح و مورد بحث قرار گیرد (مهدیزاده سراج و همکاران، ۱۳۸۶).

نتایج کنفرانس ریو ۲۰ سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۲، نقش مثبتی در فهم جامعه بین‌المللی از توسعه و دیدگاه‌های موجود در رابطه با آن داشت و به ارتقای آن کمک شایانی نمود. سند نهایی این کنفرانس نقش فرهنگ در توسعه پایدار را در چند پاراگراف ذکر نموده است. مهم‌ترین اشاره‌ای که به فرهنگ در این سند صورت پذیرفته است، اشاره به اهمیت حمایت از تنوع فرهنگی است. در این سند ذکر شده است که: «ما تنوع زیستی و فرهنگی در جهان را تصدیق می‌کنیم و این نکته را مورد شناسایی قرار می‌دهیم که همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها می‌توانند به توسعه پایدار یاری رسانند». این سیستم هم‌چنین رابطه میان مردم، اکوسیستم آن‌ها و میراث فرهنگی‌شان را شناسایی نموده است و به اهمیت سرمایه‌گذاری در توریسم فرهنگی، نیاز به حفاظت مناسب از میراث طبیعی و فرهنگی محل سکونت انسان‌ها اشاره دارد. هم‌چنین در این سند استفاده از منابع مردمان بومی و جوامع محلی در توسعه پایدار به رسمیت شناخته شده است. به علاوه، بر اجتناب از به خطر انداختن میراث فرهنگی مردمان بومی نیز تاکید شده است. طبق این کنفرانس و دیدگاه‌های مطروحه در آن فرهنگ بخش کلیدی از چهار چوب توسعه پایدار از ۲۰۱۵ خواهد بود (general assembly, 2012).

بر اساس گفته‌های "صالحی میلانی و محمدی" مفهوم پایداری، تامین نیازهای امروز را بدون به مخاطره انداختن نیاز آیندگان مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر آنها توسعه پایدار مشتمل بر چهار بعد زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، که در این میان بعد فرهنگی در پایداری توسعه، بعدی متاخر و در عین حال مهم است. (صالحی میلانی، محمدی، ۱۳۸۹) به رغم اهمیت این بعد از پایداری، تا دهه اخیر، فرهنگ به نحوی سنتی به عنوان بخشی از ابعاد اجتماعی پایداری یا جزئی از سرمایه اجتماعی محسوب می‌شد و به طور مشخص مورد بررسی قرار نمی‌گرفت. همانطور که ماتیو پایک بیان می‌کند، در حالی که به تفصیل درباره سرمایه‌های اجتماعی نوشته شده است، اما توجه به سرمایه‌های فرهنگی همچون هنر موسیقی و جز آن، و نیز ارزش‌های مشترک آنها که اهمیت بسیاری در نزدیک ساختن مردمان دارند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است، به عقیده او بخشی از غفلت‌ها ناشی از فقدان ملاحظات فرهنگی اند. (Pike, 2003)

با وجود اینکه فرهنگ در مدل‌های پایداری محیطی و اجتماعی و اقتصادی به عنوان بعدی پر اهمیت برشمرده می‌شود لیکن کماکان زمینه و ارتباط فرهنگ، ادراک و شناسایی نشده است. "هیگارد کورت" در مبحث زیباشناسی پایداری، به فقدان ملاحظات فرهنگی در توسعه پایدار اشاره می‌کند و بی‌توجهی به ابعاد فرهنگی و زیبایی‌شناختی پایداری را در سرفصل‌های علوم طبیعی و اجتماعی خاطر نشان می‌سازد. (Williams, 2003)

"میتلان و ویت" بیان می‌دارند که مفهوم پایداری از ابتدا در مقیاس‌های جهانی و ملی تعریف شد و پس از آن در حیطه شهر و چوابع محلی مورد تاکید قرار گرفت به موازات این امر، به مفهوم فرهنگ به عنوان بخش مهمی از پایداری توجه شد. (Mitlan & Satterthwaite, 1994)

با توجه به گفته‌های "داکسبری و گیلیت" گفتمان مرتبط به فرهنگ هرچند در قالبی بسیار محدود ارائه گردیده، اما تاثیری نافذ بر نوشته‌ها و پژوهش‌های مربوط به پایداری داشت. در حیطه توسعه جوامع محلی در ابتدا ملاحظات فرهنگی غالباً در محدوده گفتمان پایداری اجتماعی و یا سرمایه‌های اجتماعی مطرح شدند (Duxbury & Gillete, 2007).

"محمدی و آیت‌اللهی" فضاها را به عنوان بخشی از فضاها عمومی می‌دانند که افراد را درون سازمان‌های فضایی گوناگون به صورت اختیاری و برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی گرد هم می‌آورند. (محمدی و آیت‌اللهی، ۱۳۹۳)

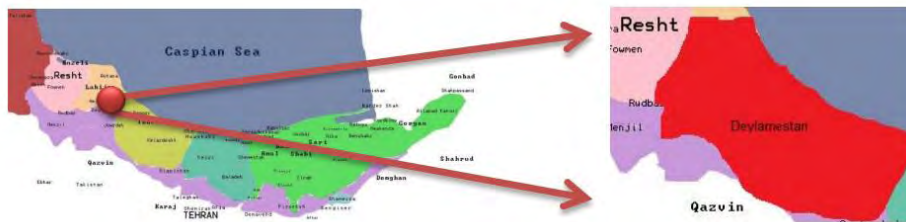
به گفته "رحیمی" حیات و حرکت یک جامعه به اصالت و پویایی فرهنگ آن جامعه وابسته است و برای ایجاد انگیزه اجتماعی در افراد یک جامعه، باید استعداد‌های فرهنگی آن جامعه را کشف و تقویت نمود (رحیمی، ۱۳۸۰) از طرفی بر اساس گفته های "آشنا و روحانی" هویت فرهنگی بخشی از ویژگی های یک جامعه است که در طول زمان در حافظه جامعه شکل گرفته است و حفظ این هویت در گروه تکرار تجارب گذشته، قابلیت نوآوری، خلاقیت و حتی گاهی تغییر آن نظام حافظه ای است. (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹)

"محمدی و خلوصی" در پژوهش های خود که به بررسی شاخص های پایداری فرهنگی در منظر شهری با هدف تحقق یک مکان اجتماعی و فرهنگی پایدار، می پردازند، بیان می دارند که منظر شهری به عنوان یک متن فرهنگی ضروری است تا بازنمود ویژگی های و فرهنگی خاص ساکنانش باشد. این امر منجر به ایجاد تمایز شهرها از یکدیگر از حیث ابعاد اجتماعی و فرهنگی می شود. بررسی های آنها نشان می دهد، علی رغم اهمیت این موضوع، مقوله تفاوت و تمایز فضاها به حاشیه رانده شده است. برای مقابله با چنین روندی، رویکردهایی چون پایداری اجتماعی و فرهنگی مورد توجه نظریه پردازان قرار گرفته است. (محمدی و خلوصی، ۱۳۹۳)

۴- مکان پژوهی

استان مازندران با ۲۳۷۵۶ کیلومتر مربع مساحت و ۲۶۰۲۰۰۸ نفر جمعیت از شمال به دریا خزر، از مغرب به استان گیلان، از جنوب به استان های سمنان و تهران و از شرق به استان گلستان محدود است. تعداد ۱۵ شهرستان ۴۶، شهر، ۴۳ بخش و ۱۱۰ دهستان مازندران وجود دارد که ۴۳ درصد از شهرها در طول نوار ساحلی دریای خزر واقع شده‌اند. مازندران تنها استانی است که با سه محور هراز، کندوان و سوادکوه با مرکز کشور مرتبط بوده و سه فرودگاه ساری، نوشهر و رامسر ارتباط هوایی آن را با سایر نقاط برقرار ساخته و راه آهن سراسری نیز از آن عبور می کند. دیلمستان یا سرزمین دیلم تا قرن هفتم و هشتم هجری به سرزمین گیلان و غرب مازندران امروزی اطلاق می گردید اما پس از تسلط مغولان بر ایران به جای استفاده از واژه دیلم از گیلان استفاده گردید و مراکز قدرت از کوه های گیلان به سرزمین های جلگه ای منتقل گردید لذا از این به بعد در متون تاریخی و جغرافیایی جایگزینی گیلان به جای دیلم قابل ملاحظه می باشد. اما به طور کلی باید بیان کرد که از گیلان برای مناطق جلگه ای و لفظ دیلم برای مناطق کوهستانی کاربرد داشته است؛ لذا متعاقباً دیلمیان مرکزیت خود را از منطقه رودبار به لاهیجان منتقل نمودند. در پاره یی از متون تاریخی واژه گیل و دیلم با هم آمده است و در آنها گیل به عنوان همسایه غربی دیلم دیده می شود. بخش بیه پیش گیلان شامل نواحی جلگه ای و کوهستانی حدفاصل دره سفیدرود تا دره چالوس به مرکزیت تاریخی شهر لاهیجان همواره اقلیم دیلم بوده و امروزه شهر دیلمان واقع در شهرستان سیاهکل را می توان پرچم و نماد سرزمین دیلم نامید. اما گاهی این واژه به تمام گیلان و غرب مازندران (منطقه تنکابن) چالوس، کلاردشت، تنکابن، رامسر) که تا زمان اوایل دوران پهلوی نیز جزئی از سرزمین گیلان بوده است و لفظ دیلم خاصه ویژه منطقه تنکابن بوده) یا حتی کل کرانه جنوبی دریای خزر اطلاق می شده است. (Dr. Shabani, 154)

مطلبی دیگری از کتاب حدود العالم المشرق من الی مغرب به تألیف ۳۷۲ ه. ق که در کتاب مازندران در تاریخ نیز بدان اشاره شده است به گونه ای که دیلمان را تعریف می کند تداعی کننده منطقه تنکابن تا سیاهکل امروزی می باشد: "دیلمان میان تبرستان و کوهستان (جبال) و گیلان است. مردمان آن دو گروه هستند: یک گروه بر کران دریا باشند. گروه دیگر در کوهستان ها، و گروهی هم میان آن دو، این منطقه دیلمان که بر کران دریا است ده ناحیه است، چون: لنز، واریوا، لنگ، مرد، چالک رود، کرک رود، دیناررود، جودا هنجان (جواهرده تهیجان)، رودبار، هوسم (رودسر). در پشت این ده ناحیه، سه ناحیه بزرگ است، چون رستان، شیر، پژم. این همه بیست فرسنگ است در بیست و پنج فرسنگ. این ناحیه دیلم است و کلار و سالوس" (اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۴۳)



شکل ۱- محدوده جغرافیایی مطالعه

۵- روش‌شناسی تحقیق

این مقاله برگرفته از پژوهشی است که طی یک پروژه ی دانشگاهی به انجام رسیده و بنا به ماهیت، موضوع و اهدافی که برای آن پیش بینی شده است از نوع توصیفی-تحلیلی و در زمره تحقیقات کاربردی است. از آن جایی که در این پژوهش از ابزار پرسشنامه و مصاحبه برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز استفاده گردیده، بنابراین از زاویه دیگر این پژوهش را یک تحقیق پیمایشی^۱ (میدانی) نیز می توان قلمداد کرد. اطلاعات مورد نیاز به دو صورت اسنادی (کتابخانه ای) و میدانی جمع آوری گردیده است. جامعه آماری این پژوهش جمعیت منطقه دیلمستان بوده اند که با توجه به تعداد آنها و بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نمونه به روش تصادفی ساده انتخاب و با استفاده از ابزار پرسشنامه مورد پرسشگری مستقیم قرار گرفته اند. این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS و بکارگیری آزمون ناپارامتری دو جمله ای روابط بین این متغیرها مورد آزمون قرار گرفته است.

۵-۱- تجزیه تحلیل توصیفی

جنسیت: همانطور که از داده‌های جدول ۵-۱ مشخص است، ۶۱/۷۲٪ افراد پاسخ دهنده مرد و ۳۸/۲۸٪ آنها زن هستند.

جدول ۵-۱. توزیع فراوانی افراد پاسخ دهنده از نظر جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۲۳۷	۶۱/۷۲
زن	۱۴۷	۳۸/۲۸
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰

سن: همانطور که از داده‌های جدول ۵-۲ مشخص است، سن اکثر افراد پاسخ دهنده (۳۱/۲۵٪) بین ۳۶ تا ۴۵ سال و کمترین آنها (۱۷/۱۹٪) بالای ۴۵ سال است.

جدول ۵-۲. توزیع فراوانی افراد پاسخ دهنده از نظر سن

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
زیر ۲۵ سال	۸۷	۲۲/۶۶	۲۲/۶۶
۲۵ تا ۳۵ سال	۱۱۱	۲۸/۹۱	۵۱/۵۶
۳۶ تا ۴۵ سال	۱۲۰	۳۱/۲۵	۸۲/۸۱
بالای ۴۵ سال	۶۶	۱۷/۱۹	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	

میزان تحصیلات: همانطور که از داده‌های جدول ۳-۵ مشخص است، میزان تحصیلات اکثر افراد پاسخ دهنده (۳۴/۶۴٪) کارشناسی و کمترین آنها (۱۶/۶۷٪) کارشناسی ارشد و بالاتر است.

جدول ۳-۵. توزیع فراوانی افراد پاسخ دهنده از نظر میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
دیپلم و کمتر	۷۳	۱۹/۰۱	۱۹/۰۱
کاردانی	۱۱۴	۲۹/۶۹	۴۸/۷۰
کارشناسی	۱۳۳	۳۴/۶۴	۸۳/۳۳
کارشناسی ارشد و بالاتر	۶۴	۱۶/۶۷	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	

حرفه: همانطور که از داده‌های جدول ۴-۵ مشخص است، حرفه اکثر افراد پاسخ دهنده (۳۵/۶۸٪) آزاد است و کمترین آنها (۷/۰۳٪) فرهنگی هستند.

جدول ۴-۵. توزیع فراوانی افراد پاسخ دهنده از نظر حرفه

حرفه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کارمند	۱۱۵	۲۹/۹۵	۲۹/۹۵
آزاد	۱۳۷	۳۵/۶۸	۶۵/۶۳
فرهنگی	۲۷	۷/۰۳	۷۲/۶۶
خانه دار	۵۳	۱۳/۸۰	۸۶/۴۶
دانشجو/دانش آموز	۵۲	۱۳/۵۴	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	

میزان موافقت با طراحی مجموعه فرهنگی به عنوان مرکزی برای تعاملات اجتماعی، ایجاد حس تعلق و تقویت حس همبستگی

توزیع فراوانی پاسخ‌های داده شده به میزان موافقت با طراحی مجموعه فرهنگی به عنوان مرکزی برای تعاملات اجتماعی، ایجاد حس تعلق و تقویت حس همبستگی، در جدول ۵-۵ آورده شده است.

جدول ۵-۵. توزیع فراوانی / درصد پاسخ‌های داده شده به میزان موافقت با طراحی مجموعه فرهنگی

گویه	فراوانی / درصد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
میزان موافقت با طراحی مجموعه فرهنگی به عنوان مرکزی برای تعاملات اجتماعی، ایجاد حس تعلق و تقویت حس همبستگی	فراوانی	۲۰	۳۶	۸۷	۲۱۰	۳۱	۳/۵۱	۰/۹۵۶
	درصد	۵/۲۱	۹/۳۸	۲۲/۶۶	۵۴/۶۸	۸/۰۷		

با توجه به داده‌های جدول ۵-۵ و ستون میانگین‌ها مشخص می‌شود که؛ میانگین «میزان موافقت با طراحی مجموعه فرهنگی به عنوان مرکزی برای تعاملات اجتماعی، ایجاد حس تعلق و تقویت حس همبستگی» برابر با ۳/۵۱ و انحراف معیار برابر با ۰/۹۵۶ است. در ادامه برای بررسی میزان موافقت با طراحی مجموعه فرهنگی به عنوان مرکزی برای تعاملات اجتماعی، ایجاد حس تعلق و تقویت حس همبستگی، از آزمون تی استیودنت تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول زیر آورده شده است. محقق می‌تواند میزان موافقت با عامل را بر اساس نتایج آزمون به ۲ دسته تقسیم نماید:

- موافقت زیاد با عامل مورد نظر: که سطح معناداری محاسبه شده آن کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و فاصله اطمینان در دامنه اعداد مثبت باشد. این عامل با نماد H در آخرین ستون جدول نشان داده شده‌اند.
- موافقت کم با عامل مورد نظر: که سطح معناداری محاسبه شده آن کوچکتر از ۰/۰۵ و فاصله اطمینان در دامنه اعداد منفی باشد و یا سطح معناداری محاسبه شده آن بزرگتر از ۰/۰۵ باشد. در این صورت عامل مورد نظر به طور معناداری میانگینی برابر با عدد متوسط ۳ داشته، پس میزان موافقت افراد پاسخ دهنده با عامل مورد نظر کم است. این عامل با نماد L نشان داده می‌شوند.

جدول ۵-۶. نتایج آزمون تی استیودنت برای بررسی میزان موافقت با طراحی مجموعه فرهنگی

میزان موافقت	فاصله اطمینان ۹۵٪		اختلاف میانگین‌ها	سطح معناداری	مقدار آماره t	انحراف معیار	میانگین	عامل
	حد بالا	حد پایین						
H	۰/۶۰۶	۰/۴۱۵	۰/۵۱۰	۰/۰۰۱	۱۰/۴۶۴	۰/۹۵۶	۳/۵۱	میزان موافقت با طراحی مجموعه فرهنگی

همانطور که از داده‌های جدول ۵-۶ مشخص است، سطح معناداری آزمون کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و فاصله اطمینان در دامنه اعداد مثبت می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌شود که؛ موافقت افراد پاسخ دهنده با طراحی مجموعه فرهنگی به عنوان مرکزی برای تعاملات اجتماعی، ایجاد حس تعلق و تقویت حس همبستگی، زیاد است.

میزان تاثیر مجموعه فرهنگی در جهت احیای هویت فرهنگی و بومی منطقه

توزیع فراوانی پاسخ‌های داده شده به میزان تاثیر مجموعه فرهنگی در جهت احیای هویت فرهنگی و بومی منطقه، در جدول ۷-۵ آورده شده است.

جدول ۵-۷. توزیع فراوانی / درصد پاسخ‌های داده شده به میزان تاثیر مجموعه فرهنگی در جهت احیای هویت فرهنگی و بومی منطقه

گویه	فراوانی / درصد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
میزان تاثیر مجموعه فرهنگی در جهت احیای هویت فرهنگی و بومی منطقه	فراوانی	۲۲	۶۰	۱۰۴	۱۷۵	۲۳	۳/۳۰	۰/۹۹۵
	درصد	۵/۷۳	۱۵/۶۳	۲۷/۰۸	۴۵/۵۷	۵/۹۹		

با توجه به داده‌های جدول ۷-۵ و ستون میانگین‌ها مشخص می‌شود که؛ میانگین «میزان تاثیر مجموعه فرهنگی در جهت احیای هویت فرهنگی و بومی منطقه» برابر با ۳/۳۰ و انحراف معیار برابر با ۰/۹۹۵ است. در ادامه برای بررسی میزان تاثیر مجموعه فرهنگی در جهت احیای هویت فرهنگی و بومی منطقه، از آزمون تی استیودنت تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۵-۸. نتایج آزمون تی استیودنت برای بررسی میزان تاثیر مجموعه فرهنگی بر احیای هویت فرهنگی و بومی منطقه

میزان تاثیر	فاصله اطمینان ۹۵٪		اختلاف میانگین‌ها	سطح معناداری	مقدار آماره t	انحراف معیار	میانگین	عامل
	حد بالا	حد پایین						
H	۰/۴۰۵	۰/۲۰۵	۰/۳۰۵	۰/۰۰۱	۵/۹۹۹	۰/۹۹۵	۳/۳۰	تاثیر مجموعه فرهنگی بر احیای هویت فرهنگی و بومی منطقه

همانطور که از داده‌های جدول ۵-۸ مشخص است، سطح معناداری آزمون کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و فاصله اطمینان در دامنه اعداد مثبت می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌شود که؛ از نظر افراد پاسخ دهنده تاثیر مجموعه فرهنگی در جهت احیای هویت فرهنگی و بومی منطقه، زیاد است.

بررسی عوامل تاثیرگذار در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و بومی منطقه

عوامل تاثیرگذار در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و بومی منطقه شامل ۸ عامل در پرسشنامه است. توزیع فراوانی پاسخ‌های داده شده به این ۸ عامل در جدول ۵-۹ آورده شده است.

جدول ۵-۹. توزیع فراوانی / درصد عوامل تاثیرگذار در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و بومی منطقه

نماد	گویه	فراوانی / درصد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
q1	گسست جغرافیایی منطقه تاریخی	فراوانی	۸۰	۱۰۴	۵۸	۱۰۰	۴۲	۲/۷۹	۱/۳۲۸
		درصد	۲۰/۸۳	۲۷/۰۸	۱۵/۱۰	۲۶/۰۴	۱۰/۹۴		
q2	تغییرات و تنوع فرهنگی در ادوار گوناگون تاریخ	فراوانی	۱۸	۲	۲۱۵	۱۳۰	۱۹	۳/۳۴	۰/۷۸۵
		درصد	۴/۶۹	۰/۵۲	۵۵/۹۹	۳۳/۸۵	۴/۹۵		
q3	کمبود اماکن فرهنگی	فراوانی	۲۰	۸	۱۶۴	۱۲۴	۶۸	۳/۵۵	۰/۹۷۹
		درصد	۵/۲۱	۲/۰۸	۴۲/۷۱	۳۲/۲۹	۱۷/۷۱		
q4	عدم مکان یابی صحیح اماکن فرهنگی	فراوانی	۲۰	۲۲	۶۲	۲۲۸	۵۲	۳/۷۰	۰/۹۵۳
		درصد	۵/۲۱	۵/۷۳	۱۶/۱۵	۵۹/۳۸	۱۳/۵۴		
q5	مورد استفاده نبودن آداب و سنن بومی در زندگی امروزی	فراوانی	۲۰	۲۳	۱۱۴	۱۷۳	۵۴	۳/۵۷	۰/۹۸۱
		درصد	۵/۲۱	۵/۹۹	۲۹/۶۹	۴۵/۰۵	۱۴/۰۶		
q6	عدم آگاهی افراد نسبت به فرهنگ بومی	فراوانی	۱۸	۵۲	۱۲۸	۱۴۷	۳۹	۳/۳۶	۰/۹۹۴
		درصد	۴/۶۹	۱۳/۵۴	۳۳/۳۳	۳۸/۲۸	۱۰/۱۶		
q7	سلب استقلال و آزادی انتخاب در نتیجه وابستگی به سنت‌های بومی	فراوانی	۱۰۲	۷۷	۷۷	۱۱۱	۱۷	۲/۶۵	۱/۲۶۸
		درصد	۲۶/۵۶	۲۰/۰۵	۲۰/۰۵	۲۸/۹۱	۴/۴۳		
q8	منسوخ شده و مطابق مد و روز نبودن فرهنگ‌های سنتی و بومی	فراوانی	۱۱۲	۹۰	۹۵	۷۰	۱۷	۲/۴۵	۱/۲۱۰
		درصد	۲۹/۱۷	۲۳/۴۴	۲۴/۷۴	۱۸/۲۳	۴/۴۳		

با توجه به داده‌های جدول ۵-۹ و ستون میانگین‌ها مشخص می‌شود که؛ در میان عوامل تاثیرگذار در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و بومی منطقه، بیشترین امتیاز کسب شده مربوط به عامل «عدم مکان یابی صحیح اماکن فرهنگی» با مقدار میانگین ۳/۷۰ است. عامل «مورد استفاده نبودن آداب و سنن بومی در زندگی امروزی» با مقدار میانگین ۳/۵۷ در رتبه دوم، «کمبود اماکن فرهنگی» با مقدار میانگین ۳/۵۵ در رتبه سوم، «عدم آگاهی افراد نسبت به فرهنگ بومی» با مقدار میانگین ۳/۳۶ در رتبه چهارم، «تغییرات و تنوع فرهنگی در ادوار گوناگون تاریخ» با مقدار میانگین ۳/۳۴ در رتبه پنجم، «گسست جغرافیایی منطقه تاریخی» با مقدار میانگین ۲/۷۹ در رتبه ششم، «کمبود اماکن فرهنگی» با مقدار میانگین ۲/۶۵ در رتبه هفتم و «منسوخ شده و مطابق مد و روز نبودن فرهنگ‌های سنتی و بومی» با مقدار میانگین ۲/۴۵ در رتبه هشتم بوده است.

در ادامه برای بررسی میزان تاثیر عوامل مورد بررسی در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و بومی منطقه، از آزمون تی استیودنت تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۵-۱۰. نتایج آزمون تی استیودنت برای بررسی تاثیر عوامل مورد بررسی در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و بومی منطقه

میزان تاثیر	فاصله اطمینان ۹۵٪		اختلاف میانگین‌ها	سطح معناداری	مقدار آماره t	انحراف معیار	میانگین	عامل
	حد بالا	حد پایین						
L	-۰/۰۷۵	-۰/۳۴۲	-۰/۲۰۸	۰/۰۰۲	-۳/۰۷۴	۱/۳۲۸	۲/۷۹	q1
H	۰/۴۱۷	۰/۲۶۰	۰/۳۳۹	۰/۰۰۱	۸/۴۵۱	۰/۷۸۵	۳/۳۴	q2
H	۰/۶۵۰	۰/۴۵۴	۰/۵۵۲	۰/۰۰۱	۱۱/۰۵۳	۰/۹۷۹	۳/۵۵	q3
H	۰/۷۹۹	۰/۶۰۷	۰/۷۰۳	۰/۰۰۱	۱۴/۴۵۱	۰/۹۵۳	۳/۷۰	q4
H	۰/۶۶۶	۰/۴۶۹	۰/۵۶۸	۰/۰۰۱	۱۱/۳۴۶	۰/۹۸۱	۳/۵۷	q5
H	۰/۴۵۶	۰/۲۵۷	۰/۳۵۷	۰/۰۰۱	۷/۰۳۶	۰/۹۹۴	۳/۳۶	q6
L	-۰/۲۲۷	-۰/۴۸۱	-۰/۳۵۴	۰/۰۰۱	-۵/۴۷۳	۱/۲۶۸	۲/۶۵	q7
L	-۰/۴۲۵	-۰/۶۶۸	-۰/۵۴۷	۰/۰۰۱	-۸/۸۵۳	۱/۲۱۰	۲/۴۵	q8

همانطور که از داده‌های جدول ۵-۱۰ مشخص است، سطح معناداری آزمون برای تمامی عوامل کوچکتر از ۰/۰۵ بوده است. و فاصله اطمینان عوامل اول، هفتم و هشتم در دامنه اعداد منفی و فاصله اطمینان عوامل دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم در دامنه اعداد مثبت می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌شود که؛ از نظر افراد پاسخ دهنده تاثیر عوامل «گسست جغرافیایی منطقه تاریخی»، «سلب استقلال و آزادی انتخاب در نتیجه وابستگی به سنت‌های بومی» و «منسوخ شده و مطابق مد و روز نبودن فرهنگ‌های سنتی و بومی» در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و بومی منطقه، کم و تاثیر عوامل «تغییرات و تنوع فرهنگی در ادوار گوناگون تاریخ»، «کمبود اماکن فرهنگی»، «عدم مکان یابی صحیح اماکن فرهنگی»، «مورد استفاده نبودن آداب و سنن بومی در زندگی امروزی» و «عدم آگاهی افراد نسبت به فرهنگ بومی» در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و بومی منطقه، زیاد است. برای اولویت بندی عوامل تاثیرگذار در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و بومی منطقه، از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول زیر داده شده است.

جدول ۵-۱۱. نتایج آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی عوامل تاثیرگذار در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و بومی منطقه

عامل	میانگین رتبه‌ها	مقدار آماره کای دو	درجه آزادی	سطح معناداری	اولویت‌بندی
q1	۳/۸۲	۴۵۵/۵۹۸	۷	۰/۰۰۱	۶
q2	۴/۵۹				۵
q3	۵/۰۴				۳
q4	۵/۶۷				۱
q5	۵/۲۷				۲
q6	۴/۸۹				۴
q7	۳/۶۰				۷
q8	۳/۱۲				۸

همانطور که از داده‌های جدول ۵-۱۱ مشخص است سطح معناداری آزمون فریدمن کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین فرض برابری میزان تاثیر عوامل مورد بررسی در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و بومی منطقه رد می‌شود. از ستون میانگین رتبه‌ها مشخص است که؛ تاثیر عامل «عدم مکان یابی صحیح اماکن فرهنگی» (با میانگین رتبه ۵/۶۷) در کمرنگ شدن هویت فرهنگی و

بومی منطقه در رتبه اول، عامل «مورد استفاده نبودن آداب و سنن بومی در زندگی امروزی» (با میانگین رتبه ۵/۲۷) در رتبه دوم، عامل «کمبود اماکن فرهنگی» (با میانگین رتبه ۵/۰۴) در رتبه سوم، عامل «عدم آگاهی افراد نسبت به فرهنگ بومی» (با میانگین رتبه ۴/۸۹) در رتبه چهارم، عامل «تغییرات و تنوع فرهنگی در ادوار گوناگون تاریخ» (با میانگین رتبه ۴/۵۹) در رتبه پنجم، عامل «گسست جغرافیایی منطقه تاریخی» (با میانگین رتبه ۳/۸۲) در رتبه ششم، عامل «سلب استقلال و آزادی انتخاب در نتیجه وابستگی به سنت‌های بومی» (با میانگین رتبه ۳/۶۰) در رتبه هفتم و عامل «منسوخ شده و مطابق مد و روز نبودن فرهنگ‌های سنتی و بومی» (با میانگین رتبه ۳/۱۲) در رتبه هشتم قرار دارد.

۶- نتیجه‌گیری

روانشناسی محیط به این معتقد است که محیط می‌تواند در چگونگی رفتار انسان نقش داشته‌باشد. این تأثیر به قابلیت‌های محیطی و شایستگی‌های فردی بستگی دارد که هر دو این موارد، از فرهنگ، اعتقادات و ارزش‌های جامعه سرچشمه می‌گیرند. از آن‌جا که رفتار ناشی از محیط است، به شدت تحت تأثیر فرهنگ و اجتماع می‌باشد. همانند رفتارها، محیط ساخته‌شده نیز از فرهنگ و روابط اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. فرهنگ به این لحاظ در محیط ساخته‌شده یا مقر رفتاری تأثیر می‌گذارد که بایدها و نبایدهای رفتاری را به فرد القا می‌کند، به بیانی دیگر، رفتارهای انسانی را در راستای قوانین فرهنگ جامعه کنترل می‌کند. در مقابل وضعیت مردم، انگیزش‌ها، تجارب، ارزش‌ها و هزینه و پاداش قابل دریافت مردم از شرکت در فعالیت‌های و یا تفسیر زیباشناختی آن‌ها از محیط اطراف، میزان استفاده از محیط را تعیین می‌کند.

با توجه به آنچه گفته‌شد فرهنگ هر شهر بیانگر میزان سطح رفتار اجتماعی آن شهر می‌باشد، امروزه با توسعه شهرها و افزایش شهرنشینی فرهنگ‌ها و عقاید مختلف در شهرها ظهور و بروز کرده‌است، لذا در شهرهای کنونی نیاز به فضای خاص با رویکرد ارائه خدمات مختلف فرهنگی و اجتماعی در جهت افزایش سطح فرهنگ جامعه شهری امری ضروری است. فضاهایی با هویت که ریشه در فرهنگ و تاریخ جامعه داشته‌باشد و بتواند احساس هویت اجتماعی را افزایش دهد و جزء ویژگی‌های منحصر به فرد معماری سرزمین خود باشد.

در این راستا محیط‌های فرهنگی نقش برجسته‌ای در تکوین، حفظ، تغییر و تحول هویت دارد و موجب تبادل ایده و نظرات، افزایش غرور، تقویت حس همبستگی و بالا رفتن سطح شناخت درباره هویت فرهنگی و بومی منطقه می‌شوند، چرا که مکانی است شامل رویدادهای فرهنگی، اتفاقاتی فرهنگی نظیر آداب و رسوم که به فواصل زمانی مشخص در فضا روی می‌دهند. از جمله این آداب و رسوم می‌توان به آیین‌های ملی، تظاهرات سیاسی و مراسم مذهبی و ... اشاره کرد.

با توجه به اینکه هویت فرهنگی عنصری مؤثر در رشد و تکامل جایگاه و منزلت انسان‌های یک جامعه بوده و در اتحاد افراد آن جامعه و نهایتاً در پیروزی یک ملت در سراسر جهان نقش بسزایی دارد و متأسفانه دیر زمانی‌ست منطقه دیلمستان بنابر معاذیر مختلف از این هویت فرهنگی اصیل خود دور مانده لزوم ایجاد طرحی جهت احیاء این هویت بیش از پیش به چشم می‌آید. بنابراین احداث مجموعه فرهنگی که اجماعی از تمامی عناصری است که در احیا این هویت می‌تواند این خلاء را جبران نماید. بنابراین سعی شده در این طرح نقاط ضعف و قوت شناسایی تا در جهت جبران ضعف‌ها و تقویت نقاط مثبت چاره‌اندیشی گردد.

۷- پیشنهادات

براساس آنچه گفته‌شد منطقه دیلمستان از هویت اصیل خود دور مونده و طراحی و احداث مجموعه فرهنگی می‌تواند نقشی مؤثر در احیا این هویت ایفا کند، به همین جهت پیشنهاداتی در راستای بهبود این طرح به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- ۱- در نظر گرفتن فضاها و فعالیت‌هایی برای گروه سنی کودکان
- ۲- پویایی حرکت و سیرکولاسیون در طراحی معماری پلان و محوطه (سایت پلان)
- ۳- توجه به طراحی فضای سبز و محوطه فرهنگسرا، برای بالا بردن هرچه بیشتر سطح تعاملات اجتماعی
- ۴- جایگزین کردن افراد ماهر در حال ساخت هنرهای بومی منطقه دیلمستان با پوشش‌های فرهنگی سنتی آن منطقه به جای مجسمه‌های بی‌جان در فرهنگسرا

- ۵- اجرای زنده بسیاری از آیین‌ها و سنت‌ها و هنرهای فرهنگی بومی آن جایگزین ماکت‌ها و عکس‌های بی‌جان در فضای فرهنگسرا
- ۶- فروش هنر و صنایع فرهنگی بومی منطقه دیلمستان، ساخته شده به دست افراد ماهر آموزش دیده در جهت ایجاد یک فضای پویا
- ۷- ایجاد فرهنگسرا در مکان مناسب با استفاده از مکان‌یابی در شهر رامسر (منطقه دیلمستان) جهت دسترسی و حمل و نقل آسان به منظور استفاده و مراجعه بیشتر افراد
- ۸- در قسمت‌هایی از بافت مکان‌یابی گردد که کریدور بصری مطلوبی به آن وجود داشته باشد.
- ۹- در بخشی از محورها قرارگیرد که بیشترین میزان رفت و آمد و متعاقباً بیشترین میزان بار بصری را داشته باشد.
- ۱۰- به نحوی در بافت استقرار یابد که بیشترین میزان نفوذپذیری را داشته باشد
- ۱۱- در بافت میانی یا بیرونی مکان‌یابی گردد تا بتواند هویت آن بخش‌ها را تا حد مطلوبی افزایش دهد.

منابع

- ۱- آشنا ح، روحانی م، ۱۳۸۹. هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، ۴: ۱۸۵-۱۵۷
- ۲- اردلان ن، بختیار ل، ۱۳۷۹. حس وحدت. تهران: نشر خاک.
- ۳- اسلامی، ح، ۱۳۹۰. مازندران در تاریخ، پژوهشکده فرهنگ ساری شناسی: ۱۴۳
- ۴- الکساندر ک، ۱۳۸۱. معماری و راز جاودانگی. ترجمه: مهرداد قیومی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات
- ۵- بایزیدی ق، اعتصام ا، حبیب ف، مختاباد امرئی م، ۱۳۹۲. جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آن‌ها در معماری معاصر. نقش جهان، دوره سوم، ۱: ۷-۱۸
- ۶- بهزادفر م، ۱۳۹۰. هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)، موسسه نشر شهر
- ۷- حجازی ن، حیدر خانی ه، ۱۳۹۳. تحلیل و بررسی رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی و هویت فرهنگی. مهندسی فرهنگی، سال هشتم، ۸۰: ۲۲۱-۱۹۴
- ۸- صالحی میلانی س، محمدی م، ۱۳۸۹. اهداف و شاخص‌های تحقق پایداری فرهنگی، نامه معماری و شهرسازی، دوره سوم، شماره پنج: ۸۹-۸۱
- ۹- فلاحت م، ۱۳۸۵. مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن. نشریه هنرهای زیبا، ۲۶: ۶۶-۵۷
- ۱۰- قطبی ع، ۱۳۸۷. مفهوم هویت در معماری امروز ایران. آئینه خیال، ۱۰: ۸۳-۷۸
- ۱۱- محمدی م، آیت الهی م، ۱۳۹۴. عوامل موثر در اجتماع پذیری بناهای فرهنگی، بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان. دو فصلنامه دانشگاه هنر: نامه معماری و شهرسازی، ۱۵
- ۱۲- مهدیزاده ج، ۱۳۸۴. جایگاه میراث فرهنگی در توسعه پایدار شهری. جستارهای شهرسازی، ۱۲
- ۱۳- مهدیزاده سراج ف، نسبی ف، حسینی ب، ۱۳۸۶. اصول دستیابی به پایداری در شهرها در مطابقت با فرهنگ شهرسازی بومی ایران. هفت شهردوره دوم، ۲۱ و ۲۲: ۵۹-۵۱.
- ۱۴- نوربرگ شولتز ک، ۱۳۸۲. گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان. ترجمه ویدا نوروز برازجانی، نشر جان جهان
- 15- Bayzidi, Qader; Etesam, Iraj; Habib, Farah; Mokhtabad Amrei, Seyed Mostafa(2013), "An Investigation of Global-Regional Interaction Approach at the Prominent works of Contemporary Iranian Architects", International Journal of Architecture and Urban Development (IJAUD), Volume 3, Number 2, Spring 2013, Page 13-20
- 16- Brolin, b.c. Architecture in context: fitting new buildings with old, Van Nostrand Reihold, 1980.
- 17- Canizaro, Vincent B. (2007), Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition, Princeton Architectural Press
- 18- Dr Reza Shabani , Iranian History at a Glance Published by Alhoda UK ISBN 964-439-005-9, 9789644390050, Page 154